

چاپ‌نوشت (۲۳)

تکنیک چاپ چوبی از آغاز تا دوره قاجار^۱

مجید جلیسه

| ۸۳ - ۱۱۸ |

۸۳

آینه پژوهش | ۲۱۷

سال ۳۷ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵

چکیده: چاپ چوبی یکی از قدیمی‌ترین و حتی اولین شیوه‌های چاپ در جهان شناخته می‌شود. در این مقاله سیر تاریخی و شیوه عملی این تکنیک و جغرافیای آن و چگونگی استفاده از این تکنیک برای چاپ کتاب و همچنین بهره‌بری از این تکنیک در کنار دیگر تکنیک‌های چاپ کتاب تا دوره قاجار بحث و مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: چاپ چوبی، چین، قاجار، صفویه، باسمة، قالب‌زدن.

Notes on Publishing Books (23): Woodblock Printing from Its Origins to the Qajar Period

Majid Jaliseh

Abstract: Woodblock printing is recognized as one of the oldest—and perhaps the earliest—printing techniques in the world. This article examines the historical development of this method, its practical procedures, and its geographical diffusion across different regions. Particular attention is devoted to the use of woodblock printing in the production of books, as well as to its interaction with and coexistence alongside other printing techniques. The study traces the evolution of woodblock printing from its earliest known applications through its adoption and adaptation in various cultural contexts, culminating in its use during the Qajar period. By exploring both the technical and historical dimensions of the process, the article sheds light on the role of woodblock printing in the transmission of texts and the development of book culture.

Keywords: woodblock printing, China, Qajar period, Safavid period, *bāsmā* printing, block printing.

۱. این مقاله را به‌شادروان دکتر محسن جعفری‌مذهب (۱۳۹۶-۱۳۳۶) تقدیم می‌کنم. ایشان سال‌ها پیش طی چند یادداشت و مقاله مطالب ارزشمندی در خصوص این تکنیک از چاپ را به اهل علم و دانش گوشزد نمود. «سرنخ‌هایی از پیشینه چاپ نزد مسلمانان»، پیام بهارستان، شماره ۱۷، دوره دوم، سال ۵، پاییز ۱۳۹۱، صص ۲۶۵-۲۵۴؛ «پیشینه چاپ فارسی: ۲۰۰ سال؟ شاید هم بیشتر»، گزارش میراث، شماره ۵۵-۵۴، آذر و اسفند ۱۳۹۱، صص ۸-۶. همچنین هر دو مقاله در ضمن کتاب میراث حقیقی: مجموعه مقالات زنده‌یاد دکتر محسن جعفری‌مذهب حقیقی، به‌کوشش مجتبی تبریزیا و اعظم هدایتی، تهران، خانه کتاب، ۱۴۱۶+۳۲ ص، وزیری، ۱۳۹۶. قابل مطالعه است.

مقدمه

بشر از دیرباز برای تکثیر افکار و اندیشه‌های خود به دنبال راه‌هایی ارزان، سریع و با کیفیت در جستجو بوده است. و ما در این مسیر طولانی و چند هزار ساله شاهد خلاقیت‌ها و تلاش‌های گوناگون هستیم. آنچه که امروز به عنوان صنعت چاپ می‌شناسیم یکی از با سابقه‌ترین و مهمترین تلاش‌های بشریت بدین منظور بوده، که سیر تکاملی آن به درازای تاریخ است. از تلاش بشر برای استفاده از سنگ و لوح‌های گلی پیش از میلاد مسیح تا انتشار کتاب به شکل الکترونیک در این روزگار راهی بس طولانی، دشوار و پرفراز و نشیب طی شده است. تصور عموم مردم از صنعت چاپ همان چیزی است که گوتنبرگ اختراع نموده است، اما واقعیت این است که نه تنها اختراع چاپ را نمی‌توان به او منتسب دانست بلکه خیلی پیشتر از آن، این صنعت در شرق آسیا و بعدتر در ممالک اسلامی و ایران نیز مورد استفاده بوده است.

هر کدام از تکنیک‌های مختلف چاپ در دوره‌های مختلف تاریخی براساس مقتضیات زمانی و جغرافیایی خود شکل گرفته و حلقه‌هایی از زنجیره تکاملی صنعت چاپ تا به امروز به شمار می‌روند. آشنایی تاریخی و تکنیکی چاپ در دوره‌های مختلف کمک قابل توجهی به شناسایی آثار منتشره و چگونگی خلق آنها و تلاش‌های بشر برای تکثیر و توسعه منویاتش دارد.

صدها سال پیش از گوتنبرگ تکنیک چاپ چوبی و چند صد سال بعد از او تا به امروز هم این تکنیک مورد استفاده و کاربرد بوده است. در روزگاری تکنیک چاپ چوبی یگانه راهکار برای تکثیر ایده‌ها و افکار بشر بود و البته با پیشرفت تکنیک چاپ حروفی و خلق دیگر روش‌ها هرچند تکنیک چاپ چوبی برای چاپ کتاب و روزنامه کارایی نداشت، اما برای خلق آثار هنری حتی تا به امروز هم محل توجه و کاربرد بوده است.

در این مقاله برآن هستیم که به اجمال سیر تاریخی تکنیک چاپ چوبی از دیرباز تا دوره قاجار را مورد بررسی قرار دهیم و ضمن ارائه شواهد و نمونه‌ها چگونگی بهره‌مندی بشر از این تکنیک برای چاپ کتاب در دوره‌های مختلف را با ذکر شواهد تاریخی و نمونه‌هایی عینی به نمایش بگذاریم.

سرآغاز چاپ چوبی در چین

چاپ چوبی یا چاپ بلوکی^۱ یکی از قدیمی‌ترین تکنیک‌های چاپ در جهان است و به نوعی می‌توان این تکنیک را پیش‌درآمدی برای ورود به دنیای چاپ جدید یعنی چاپ حروفی یا چاپ سربی دانست.

1. Woodblock printing.

خاستگاه اولیه چاپ در شرق آسیا و امپراطوری چین است و در این میان سیر تکاملی چاپ با اختراع تکنیک چاپ چوبی یا به قول چینی‌ها چاپ لوحی و یا قالبی آغاز می‌گردد. بر اساس اطلاعات موجود، فن چاپ در چین حداقل بین قرن‌های هفتم و هشتم میلادی یعنی از اوایل دودمان تانگ (حک ۹۰۷-۶۱۸ م) تا دوره شکوفایی آن ابداع شده است. در مدارک موجود از دوره تانگ درباره ابداع فن چاپ در این دوره و همچنین رواج آن سخن گفته شده. یوان جن شاعر (۷۷۹-۸۳۱ م) در سال چهارم به سلطنت رسیدن امپراتور تانگ مو زنگ (۸۲۴ م/۲۰۸ ق) در مقدمه‌ای که بر دیوان اشعار بای سروده بای جوای (۸۴۶-۷۲۲ م) نوشته، اشاره کرده که آن زمان اشعار یوان جن و بای جوای به میزان زیادی چاپ گردیده و در میان مردم بسیار رواج داشته و در کتابفروشی‌ها نیز فروخته می‌شده است. در سال ۸۳۵ م/۲۱۹ ق چون تعداد زیادی سالنامه‌های چاپ شده بین مردم توزیع می‌گردد، درباره ناچار دستور ممنوعیت استفاده از ابزار چاپ لوحی را صادر می‌کند. تعداد ثبت‌های تاریخی نشان می‌دهد که در قرن نهم میلادی (قرن سوم هجری قمری) به طور گسترده از چاپ لوحی استفاده می‌شده است.^۱

کتاب‌های چاپ لوحی برجای مانده نیز همگی از دوره دودمان تانگ اند که مشهورترینشان که در دون‌هوانگ^۲ یافت شده نسخه چاپ لوحی الماس سواترا^۳ مربوط به سال نهم سلطنت تانگ (۸۶۸ م/۲۵۳ ق) است (تصویر شماره ۱). این کتاب قدیمی‌ترین نمونه چاپ لوحی شناخته شده در جهان با تاریخ مشخص^۴ و ترجمه‌ای چینی از متنی بودایی است. نسخه منحصر این کتاب در کتابخانه بریتانیا به شمار Or 8210/P.2 قرار دارد.^۵

شیوه چاپ چوبی

در چاپ چوبی برای ساخت لوح از چوب درخت گلابی یا عناب استفاده می‌کردند.^۶ متن و یا تصویر

۱. تاریخ نشر چین، ۶۱.

2. Dunhuang.

3. Diamond Sutra.

۴. همان، ۶۱.

۵. جهت اطلاع بیشتر درباره این کتاب رجوع کنید به: «سوترای درخشان: کهن‌ترین نوشته چاپی جهان»، محسن جم، پیام بهارستان، شماره ۳۶، خرداد ۱۳۸۳، ص ۱۵.

۶. در برخی منابع البته از چوب درخت سرو به عنوان مناسب‌ترین چوب نام برده شده است، زیرا بافت ظریفی دارد و می‌توان به راحتی آن را سمباده زد تا کاملاً صاف شود و سطح بسیار پایدار برای چاپ‌های متعدد دارد. چوب درخت افرا و زاج انتخاب خوبی‌اند و چوب درختان گیلان و گلابی و انجیر را نیز می‌توانید جایگزین کنید. رکت تکنیک‌های سنتی و معاصر چاپ دستی، آن داریسی هیوز، هیب ورنون موریس، ترجمه سیدمحمد مهدی یوزری، تهران، فرهنگسرای میردشتی، ۱۳۹۲، ص ۲۲.

مورد نظر به صورت مستقیم و یا با استفاده از کاغذ الگو^۱ بر روی لوح، قالب^۲ و یا صفحه^۳ چوبی منتقل می‌گردید و بعد از آن حکاک با استفاده از ابزارهای مخصوص متن و یا تصویر را بر روی چوب حکاکی می‌کند. سپس لوح به جوهر آغشته گردیده و با قرارداد لوح بر روی کاغذ و یا برعکس با قراردادن کاغذ بر روی لوح و اعمال فشاری متوازن بر سطح آن تصویر و یا نوشته بر روی کاغذ منتقل می‌گردد.^۴



تصویر ۱. سواترای الماس، [چین]، ۸۶۸ م/۲۵۳ ق. (کتابخانه بریتانیا، ش 8210/P.2)

چاپ چوبی رنگی

بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی اختراع چاپ رنگی با استفاده از لوحه^۵ چوبی به احتمال زیاد مربوط به دوره دودمان‌های سونگ، لیاو و جین یعنی بین سال‌های ۹۶۰ و ۱۲۳۴ م می‌شود، که تفاوت زیادی با دوره اختراع نویسه‌های متحرک ندارد.^۵ این شیوه از چاپ آنچنان در چین توسعه

۱. در این شیوه متن و یا تصویر را بر روی کاغذ نازکی می‌نوشتند و بعد از آن کاغذ را برعکس روی بلوک چوبی می‌چسبانند و آن را خیس می‌کردند تا جوهر به صورت معکوس بر روی چوب نمایان شود.

2. block.

3. plate.

۴. تاریخ نشر چین، ۶۰؛ تکنیک‌های سنتی و معاصر چاپ دستی، ۲۱۷؛ سی قرن طراحی گرافیک با نگاهی به تاریخ چاپ، ۵۱.

۵. همان، ۶۷.

پیدا می‌نماید که چاپ آثاری به صورت رنگی نیز شایع و مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این نوع چاپ روی یک کاغذ چند نوع رنگ چاپ می‌شد. چاپگرها برای قسمت‌هایی که به چاپ رنگ متفاوت نیاز داشت چند لوح با اندازه یکسان می‌ساختند و به ترتیب روی یک کاغذ آن‌ها را چاپ می‌کردند. کتاب‌های چاپ شده با این شیوه را کتاب نسخه رنگی می‌نامیدند. در این نوع چاپ از دو رنگ سرخ و سیاه استفاده می‌شد و کتاب‌های چاپ شده نیز به سرخ و سیاه معروف بود. با توجه به تعداد رنگ‌های استفاده شده کتاب شرح راهب گمنام بر الماس سوترا که معبد زی‌فو در سال پنجم زمامداری قوبلای خان (۱۳۴۰م) در دودمان یوان با استفاده از چاپ رنگی تهیه کرد، «کتاب چهار رنگ» یا «چهار رنگ» نامیده می‌شد.^۱

چاپ چوبی متحرک

در فاصله سال‌های ۱۳۶۸-۱۲۰۶م در دودمان یوان مردم از نویسه‌های متحرک چوبی برای چاپ کتاب استفاده می‌کردند. وانگ جن (۱۳۶۸-۱۲۷۱م)^۲ در این زمینه خدمت بی‌نظیری ارائه کرد. در سال ۱۲۹۸م وانگ جن کتاب شصت هزار حرفی خود با عنوان وقایع بلاد جینگ ده را با استفاده از نویسه‌های متحرک به چاپ رساند. آنهم صد نسخه در کمتر از یک ماه که این نشان دهنده سرعت بالای آن نسبت به چاپ لوحی است.^۳ در دوره دودمان یوان، حروف چوبی متحرک به مناطق اقلیت نشین گسترش یافت و آنها در چاپ کتاب‌هایشان از این حروف استفاده کردند. گفتنی است که از غار هزار بودای دون‌هوانگ^۴ چند صد حرف متحرک چوبی ساخته شده از چوب سخت کشف شده است.^۵

استمرار استفاده از تکنیک چاپ چوبی در چین

این شیوه از چاپ در چین تا سالیان سال مورد استفاده قرار می‌گرفته و حتی با ارتقای شیوه چاپ بلوکی به چاپ متحرک در فاصله سال‌های ۱۳۶۸-۱۲۰۶م در دودمان یوان که مردم از نویسه‌های متحرک چوبی برای چاپ کتاب استفاده می‌کردند^۶ شیوه چاپ چوبی بلوکی مورد استفاده بوده است. بعدتر حتی با وجود اختراع چاپ با استفاده از نویسه‌های متحرک سربی در

۱. تاریخ نشر چین، ۶۶.

2. Wang Zhen.

۳. همان، ۶۴.

4. Dunhuang.

۵. همان، ۶۵.

۶. همان، ۶۴.

شرق آسیا و یا بعدتر گسترش صنعت چاپ در دورهٔ پساگوتنبرگی در اروپا استفاده از شیوهٔ چاپ به صورت چوبی در چین همچنان مرسوم بوده و گزارش‌هایی از آن به ما رسیده است. مبلغ مسیحی ایتالیایی ماتئوریچی (۱۶۱۰-۱۵۵۲م)^۱ در سال ۱۵۷۷م در هیأت مبلغان اعزام شده از سوی انجمن یسوعیان عضویت یافت و موفق می‌شود بعد از حضوری طولانی در شبه‌قاره به تاریخ ماه اوت سال ۱۵۸۲م/۹۸۹ق قدم بر خاک کشور چین بگذارد و به مدت سی سال به ترویج دین مسیح در این دیار پرداخته و در نهایت در همین کشور از دنیا می‌رود^۲. او در اواخر عمر خود به سال ۱۶۰۸م تصمیم می‌گیرد که مشاهدات و رویدادهای دوران خود را به زبان ایتالیایی و تحت عنوان یادداشت‌ها بنویسد^۳. بعد از درگذشت ماتئوریچی، کشیش نیکولاس تریگولت (۱۵۷۷-۱۶۲۸م)^۴ که اهل بلژیک و مقیم چین بود اصل نسخهٔ خطی یادداشت‌ها را به دست آورد و آن را با پیوستی دربارهٔ نیکوکاری‌های ماتئوریچی و گزارش مراسم تشییع او که خود نوشته بود به زبان لاتین ترجمه^۵ و به سال ۱۶۱۵م تحت عنوان هیأت عزامی مسیحیان به چین در آلمان به چاپ رسانید^۶. باب اول این کتاب که شامل خلاصه‌ای از اوضاع چین و چینیان است توسط محمد زمان در دورهٔ صفویه به فارسی ترجمه می‌گردد. در بخشی از این ترجمه ماتئوریچی ضمن اشاره به تفاوت شیوهٔ چاپ اروپایی که به تازگی توسط گوتنبرگ در اروپا راه‌اندازی و تأسیس شده است به معرفی چاپ چوبی در چین و ویژگی‌های آن بدین نحو پرداخته است:

«باسمه و چاپه کتاب‌ها در ملک چین قدیم‌تر از ملک فرنگ است. و روش چاپه کردن ایشان غیر طرز چاپهٔ فرنگ است. و آن چنان است که در کاغذ مطلب را نوشته آن را بر تخته چسبانند بعد از این حروف نوشته را بر روی تخته می‌کنند به نحوی که حروف برآمده باشند مثل منبت، پس کاغذها را دور کرده به آن تخته، کتاب‌ها چاپه می‌شوند. چنان به جلدی و زودی باسمه می‌کنند که در یک روز یک‌هزار و پانصد ورق یک نفر باسمه می‌کند. و بر طریق دیگر هم باسمه می‌کنند که بر سنگ مرمر حروف و خطوط را می‌کنند و کاغذ را نم کرده بر بالای آن می‌گذارند و پارچهٔ نمدی بر بالای آن نهاده چکس بر بالای نمد می‌زنند تا آنکه

1. Matthaeus Riccius.

۲. چین‌نامه، سی و چهار.

۳. همان، پنجاه و دو.

4. Nicolaus Trigult.

۵. همان، پنجاه و سه.

6. *De Christiana expeditione apud Sinas suscepta ab Societate Jesu*. Ex P. Matthaei Riccii eiusdem societatis comentariis libri V ad S.D.N. Paulum V. In quibus Sinensis Regni mores , leges , atq.

نشان حروف بر روی کاغذ می‌ماند. بعد از آن مابین نشانه‌ها را رنگ می‌کنند آن خطوط و حروف سفید می‌مانند^۱».

ریچی ضمن اشاره به قدمت چاپ کتاب در چین و اشاره به تفاوت شیوه چاپ در اروپا و چین، چگونگی این تکنیک را نیز تشریح نموده و همچنین در چندین بخش از کتاب خود دربارهٔ باسمة کردن و کارکردهای آن در سیستم دیوانی پادشاهان چین مطالبی را نقل نموده^۲ که نشان‌دهنده کاربرد فراوان این تکنیک در سیستم حکمرانی پادشاهان آن روزگار دارد.

ورود تکنیک چاپ چوبی به جهان اسلام

سابقه استفاده از این تکنیک در جهان عرب به قرن‌های دوم و سوم هجری باز می‌گردد. اعراب حدود پنج قرن قبل از اینکه این تکنیک در اروپا شناخته شود، از آن برای تولید متون کوچک شامل آیات قرآن، نام‌های خدا، ادعیه، حرزها و دیگر متون مذهبی که برای دفع شر نگاشته شده استفاده می‌کردند^۳.

اولین بار یوزف فون هامر پورگشتال (۱۷۷۴-۱۸۵۶) طی مقاله‌ای اشاره‌ای مختصر به چاپ چوبی در جهان عرب می‌کند^۴. در نتیجه کاوش‌های باستان‌شناسی که در شهر فِیوم مصر باستان در سال ۱۸۸۰م انجام شد، اولین نمونه‌های این نوع از چاپ در کشورهای اسلامی آشکار می‌گردد. طی این کاوش حدود یکصد هزار پاپیروس، کاغذ پوستی و کاغذ متعلق به قرن چهاردهم قبل از میلاد تا قرن چهاردهم پس از میلاد کشف و کل آن به وین منتقل می‌گردد که مجموعه آرشیدوک راینر^۵ در کتابخانه ملی اتریش تشکیل می‌دهد. در سال ۱۸۹۴م جوزف کارباچاک (۱۸۴۵-۱۹۱۸م)^۶ متوجه این نمونه‌های چاپی شده و در کاتالوگی بیست نمونه از آنها را معرفی می‌نماید^۷. بعد از این کشف نمونه‌های دیگری از این قبیل چاپ‌های چوبی در موزه‌ها و کتابخانه‌های دیگر جهان شناسایی و محل پژوهش‌های متعددی قرار می‌گیرد. مقاله «طرش در قرون وسطای عربی: فصلی فراموش شده در تاریخ چاپ»^۸ نگاشته ریچارد بولیت

۹۰

آینه پژوهش | ۲۱۷
سال ۳۷ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵

۱. چین‌نامه، ۱۷.

۲. همان، ۳۰ و ۳۲ و ۳۹ و ۵۰.

3. "Medieval Arabic Tarsh", 428.

4. Joseph von Hammer-Purgstall.

5. Joseph Hammer-Purgstall, "Sur un passage curieux de l'histoire sur l'art d'imprimer chez les Arabes en Espagne," Journal asiatique 4e. serie, 20 (aout-Septembre 1852): 252-255.

6. Archduke Rainer Ferdinand of Austria.

7. Joseph Maria Karabaček.

8. "The Scheide Tarsh", 402.

9. "Medieval Arabic Tarsh: A Forgotten Chapter in the History of Printing".

(-۱۹۴۰م)^۱ استاد تاریخ دانشگاه کلمبیا که در مجله انجمن شرقی آمریکا در سال ۱۹۸۷م چاپ و انتشار یافته^۲ یکی از ده‌ها پژوهشی است که تاکنون در این خصوص منتشر شده است.

همه چاپ‌های شناسایی شده (حدود پنجاه مورد) در مصر پیدا شده‌اند و چند مورد که متعلق به قرن‌های دهم و یازدهم میلادی است دارای منشأ نامشخصی است و شایان توجه است که تاکنون هیچ قالب چاپی از این طرش‌ها کشف نشده است. اما پژوهشگران اصل را بر این گذاشته‌اند که این آثار با قالب‌های چوبی چاپ شده است. اما قابل ذکر است که مسلمانان در این دوره‌ها با فن حکاکی حروف ریز روی فلز و سنگ نیز آشنا و در آن بسیار ماهر بوده‌اند. اما دلایل انتساب این چاپ‌ها به استفاده از چوب، آن است که این چاپ‌ها (حداقل در مقایسه با سکه) نسبتاً بزرگ هستند. بنابراین بازگشت سرمایه برای تلاش حکاک قالب یا مهر حرفه‌ای ارزشش را نداشت است. علاوه بر این قالب‌های فلزی یا غیرچوبی در چین - جایی که برخی پژوهشگران فرض می‌کنند مسلمانان تکنیک چاپ چوبی را یاد گرفته‌اند - ناشناخته بودند^۳.

یکی از قدیمی‌ترین اشاره‌ها به این نوع از چاپ در دوره‌های اولیه اسلامی بیتی است که ابودلف مسعر بن مهلهل خزرچی (د ۳۹۰ق) در قصیده الساسانیة خود نقل کرده که در آن حيله‌ها و شگردهای گدایان را شرح می‌دهد. او در این قصیده به تولید طلسم یا افسون اشاره می‌کند که با استفاده از حکاکی یا حفر بر روی نوعی ماتریس تولید می‌شده است:

وَمِمَّا حَافِرُ الطَّرْسِ بِلاَ خَرَطٍ وَلَا جَهْرٍ^۴

ثعالبی (۴۲۹-۳۵۰ق) در تشریح این بیت اینچنین می‌گوید:

«حافر الطرس: هوالذي يحفر القوالب للتعاويز فيشتريها منه قوم أميون لا يكتبون وقد يحفظ البائع النقش الذي عليه فينفذ التعاويز الى الناس ويوهم أنه كتبها، ويقال للقالب: الطرس»

«حفر کننده طرس: او کسی است که قالب‌هایی برای طلسم‌ها حفر کرده و افراد بی‌سوادی که نمی‌توانند بنویسند این طلسم‌ها را از او می‌خرند. این افراد این طلسم‌ها را حفظ و وانمود می‌کنند که خود آنرا نوشته‌اند و به دیگر افراد می‌فروشند. به این قالب‌ها طرس گفته می‌شود»

1. Richard Bulliet.

2. American Oriental Society, Vol. 107, No. 3 (Jul. - Sep., 1987), pp. 427-438.

3. "Medieval Arabic Tarsh", 428.

۴. يتيمة الدهر في محاسن أهل العصر، ۴۲۵/۳.



به زبانی ساده تر باید گفت که این گدایان و شیادان تعویذها را با قالب های چوبی چاپ و به خریداران ساده لوح که فکر می کردند این تعویذها دست نویسند می فروختند. استفاده از این تکنیک شگردی برای انبوه سازی از چیزی بود که خریداران فراوانی داشت اما تولید به شکل دست نویس آن زمان و هزینه بسیاری می برد. در حالی که با استفاده از این تکنیک امکان بازنمایی نزدیک به واقع در تیراژ بسیار و در زمانی اندک وجود داشت.

این نوع از فن آوری در جهان اسلام حدود قرن دوم هجری آغاز و تا حدود قرن هفتم هجری استمرار داشته و بدون ردپا ناپدید می شود و ما تا آغاز قرن هجدهم میلادی و آغاز به کار اولین دستگاه چاپ در استانبول هیچ ردی از این تکنیک چاپ در جهان اسلام سراغ نداریم.^۱

در زبان عربی «طرس» یا «طرش» به یک بلوک حکاکی شده که مورد استفاده برای چاپ قرار می گیرد گفته می شود. منشأ این کلمه نامشخص است. ریشه سامی کلمه ṭ-r-š (طرش) به معنی ناشنوایی و همچنین ṭ-r-s (طرس) به معنی نوشتن می باشد.

متن بیشتر چاپ های چوبی باقی مانده تعویذ است. این متون طومارهای بلند و باریک کاغذی حاوی آیات قرآن، نام های خدا و متون دینی برای دفع شر هستند. این طومارها را لوله کرده و در استوانه های فلزی قرار داده و برگردن می آویختند. طولانی ترین نمونه های باقی مانده از این نوع طرش ها متعلق به کتابخانه دانشگاه کلمبیا است که شامل ۱۰۷ خط نوشته بر روی یک نوار کاغذی در ابعاد ۵ در ۱۱ سانتی متر چاپ گردیده است (تصویر شماره ۲).^۲

تصویر ۲. طرش، چاپ چوبی قالبی، دوره اولیه اسلامی (دانشگاه کلمبیا)

1. "Medieval Arabic Ṭarsh", 427.

2. "Medieval Arabic Ṭarsh", 428.

چاپ چوبی در ایران

اطلاعات ما دربارهٔ ورود این تکنیک از چاپ به ایران بسیار ناقص و اندک است. می‌توان احتمال داد که به جهت همسایگی ایران با چین این شیوه از چاپ در قرون اولیه اسلامی در برخی از نقاط ایران شناخته شده و حتی مورد استفاده واقع شده باشد. چنانچه یکی از محدود قالب‌های چاپ چوبی برجای مانده که در انستیتو شرق شناسی سن پترزبورگ نگهداری می‌شود احتمالاً متعلق به بخشی از ایران بزرگ آن روزگار است.



تصویر ۳. قالب چوبی به زبان و خط سکایی (انستیتو شرق شناسی سن پترزبورگ)

این قالب متعلق به مجموعه

نیکلای فتودوروویچ بتروفسکی^۱ کنسول روسیه در کاشغر - که طی سالهای ۱۸۳۷-۱۹۰۸ در آنجا مشغول به فعالیت بوده - است. او در زمان اقامتش در کاشغر موفق به جمع‌آوری بیش از ۵۸۰ شیء باستانی از ترکستان شرقی (سین‌کیانگ چین امروزی، حوالی ختن/Khotan) می‌گردد که بخش زیادی از آن اسناد چوبی، کاغذی و دست‌نوشته‌های ساکایی (زبان ایرانی شرقی باستان) است، که در موسسه دست‌نوشته‌های شرقی (Institute of Oriental Manuscripts) آکادمی علوم روسیه در سن پترزبورگ نگهداری می‌شوند. این صفحه به زبان و خط سکایی^۲ که یکی از

1. N.F. Petrovsky.

۲. زبان سکایی ختن از زبان‌های ایرانی میانه است. که نام شکل میانه برجای مانده از زبان سکایی باستان است. از زبان سکا‌های میانه دو گویش به وسیله آثار بجای مانده شناخته شده‌اند که بنابر منطقه کشف آثار آن‌ها که در ختن و توشق در

زبان‌های ایران شرق باستان در قرن‌های هفتم الی ۸ میلادی است به نگارش درآمده است و این زبان در منطقه ختن و حوالی آن رایج بوده است.

اولین آگاهی‌ها از تکنیک چاپ چوبی در ایران

نخستین آگاهی‌های نداشتته شده درخصوص این تکنیک از چاپ را در آثار رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۷۱۸-۶۴۸ق) شاهد هستیم. فضل‌الله همدانی در کتاب جامع التواریخ درخصوص چگونگی این چاپ و ویژگی‌های آن اینچنین می‌نگارد:

«... بعد از آن نوبتی دیگر حکیمی تصحیح آن کرده، آنگاه به موجبی که عادت ایشان است از آن کتاب نسخه‌ها کرده‌اند و می‌کنند، چنانکه در آن هیچ تغییر و تبدیل و زیادت و نقصان نمی‌تواند بود، و آن عادت ایشان چنان است که چون بهترین کتب آن تواند بود که درست باشد و خطش بغایت خوب و مجال تغییر و تبدیل در آن نه، رعایت این هر سه معنی را وضعی کرده‌اند که هر کتابی که نزد ایشان معتبر افتاده، خطاطی خوش‌نویس را حاضر گردانیده‌اند تا هر صفحه‌ای از آن کتاب به خط پاکیزه بر لوحی نوشته و تمامت دانندگان آن قسم به احتیاط مقابله و تصحیح آن کرده‌اند و خط خویش بر ظهر آن لوح مثبت گردانیده. آنگاه نقاران ماهر استاد را فرموده‌اند تا آنرا نقاری کرده، چون از تمامت صفحات کتاب بر این طریقه نسخه گرفته‌اند و بر هر یک عدد آن بر توالی نوشته تا جمله بر ولا مضبوط باشد. آن لوحها را همچون سکه دارالضرب در کیسه‌ها به مهر امنا به معتمدان معین سپرده‌اند و در دکانهای مخصوص بدان مصلحت مضبوط نهاده و بر آن عمل، تمغایی معین و مقرر گردانیده، به هر وقت که کسی نسخه از آن خواهد، پیش آن جماعت که جهت آن مصلحت منصوب‌اند حاضر شود و حقوق معین دیوان و مؤونات آن بدهد، و ایشان لوحهای آن کتاب بیرون آرند، و بر مثال سکه زر بر اوراق کاغذ نهند و به وی تسلیم کنند. و بدین طریقه ممکن نیست که در هیچ کتابی از کتب ایشان زیادت و نقصان تواند بود»^۱.

سین‌کیانگ چین است به دوگوش تمشقی و ختنی نیز نام‌گذاری شده‌اند. آثاری که به گویش ختنی هستند به الفبای براهمی نوشته شده و تحت تأثیر ادبیات بودایی می‌باشند. از گویش تمشقی نیز آثاری بدست آمده که نگارش آن‌ها به سده‌های پنجم تا دهم میلادی بازمی‌گردد.
۱. جامع التواریخ (تاریخ اقوام پادشاهان ختای)، ۹.

او همچنین در مقدمه کتاب تنکسوق‌نامه یا طب اهل خطای اطلاعات ارزشمندی درباره چگونگی این تکنیک و ویژگی‌های کاغذ و جوهر مورد استفاده آن ارائه می‌دهد:

«... ضبطی نهاده‌اند که کتابی را بر صحیفهای چوب می‌کنند بخطی که در غایت خوبی باشد و تمام مقروء و مصحح، و آنرا بر کاغذ می‌زنند، مانند آنکه نقاشان نقش برچوب کرده قالب می‌زنند تا همه متساوی و راست و نیکو و آسان باشد، و آنچه کاتبی بسالی نویسد بیک روز بقالب برزنند؛ و کاغذ تُنک خطائی که می‌سازند غرض از تُنکی آن آنست که قالب نیک دران نشیند و نقش درست بیرون آید، و الا کاغذ چنین تنک نساختندی و سیاهی نیز چنان ساخته که لایق قالب زدن باشد و هرچند قالب بر یک روی کاغذ می‌زنند و یک روی دیگر صرفه می‌رود لیکن در تنکی و آلت کاغذ و حجم کتاب دو سه چندان توفیر باشد و نیز کاغذ از پوست درخت توت و درخت نی و میانه انواع نی قومی که در آن ولایت می‌باشد که آن نی را می‌شکافتند و بالآلات می‌سازند و میان آن مانند میان چوب پوسیده می‌باشد می‌کنند تا عظیم آسان و کم بضاعت و اندک قیمت بود، و بدین تقریر و بیان که کرده شده حکمت و کفایتی و تدبیری که حکماء خطای در وضع خط و فواید آن و آسانی کتابت و آسانی ساختن کاغذ و هرچه بدان تعلق دارد که مصححت و مدار ملک و ضبط آن بقلم راست آید این معانی است که شرح داده شد...»^۱

رشیدالدین فضل‌الله در این دو نوشتار به خوبی درباره چرایی تمایل چینی‌ها به استفاده از صنعت چاپ چوبی در چین و همچنین چگونگی، ویژگی‌ها و فواید آن مطالبی را بیان می‌دارد. او دلیل اصلی تمایل چینی‌ها به بهره‌وری از تکنیک چاپ چوبی را اینگونه بیان می‌کند که چینی‌ها با استفاده از این تکنیک برآن بودند که کتاب‌هایی مصحح، به خط خوب و بدون امکان تغییر و تبدیل در متن آن داشته باشند. به همین منظور است که خطاطی خوش‌نویس را احضار می‌کردند تا هر صفحه‌ای از کتاب را به خطی خوب بر لوحی نوشته و دانشمندان و عالمان مربوط به آن متن را مقابله و تصحیح می‌کردند و سپس نقاران ماهر و استاد همان متن را به خطی خوب بر روی بلوک‌های چوبی حکاکی می‌کردند. سپس آن را مرکب اندود کرده و روی کاغذ برمی‌گرداند. برای چاپ از کاغذ تنک خطائی استفاده می‌کنند و همچنین مرکب را به گونه‌ای می‌ساختند که لایق قالب زدن باشد، یعنی بر روی چوب به خوبی نشسته و به کاغذ هم به خوبی منتقل گردد.

۱. تنکسوق‌نامه یا طب اهل ختا، ۳۷؛ تاریخ و فرهنگ «ترجمه علوم چینی به فارسی در قرن هشتم هجری»، ۳۴۶.

از همه صفحات کتاب به همین شکل نسخه‌ای تهیه می‌شد. این قالب‌ها و یا لوح‌های چوبی را همچون سکه دارالضرب در کیسه‌هایی به مهر امنا به معتمدان معینی می‌سپردند و در دکان‌های مخصوص آرشیو می‌کردند تا هر وقت کسی نسخه‌ای از آن کتاب را می‌خواست پیش این معتمدان رفته و با پرداخت مبلغ معینی که توسط حکومت مشخص شده بود آنها این لوحه‌ها را بیرون آورده و بر روی کاغذ گذاشته و چاپ می‌کردند.

به‌کارگیری چاپ چوبی در ایران دوره ایلخانیان

گیخاتو خان پسر آباخان (حک. ربیع‌الاول ۶۹۰ - جمادی الثانی ۶۹۴ ق) یکی از ایلخانان مغول که پس از مرگ پدرش بر مناطق گسترده‌ای از جمله ایران، عراق و آناتولی مرکزی حکمرانی می‌کرد.^۱ در پی کمبود نقدینگی در خزانه پادشاه ایران به سال ۶۹۳ ق که عمدتاً بر اثر ولخرجی‌های خان و درباریان بروز کرده بود، پس از مشاوره با پولاد جنگ سانگ سفیر خان بزرگ در تبریز و نیز به توصیه عزالدین مظفر بن عمید مشاور صدر جهانی زنجانی (وزیر گیخاتو) دستور داد به جای درهم و دینار بر اساس چاو چینی پول کاغذی منتشر کنند.^۲

«وضع چاو نامبارک و خللها که بدان سبب در ممالک ظاهر شد. صدرالدین و بعضی امرا احیانا در باب چاو که در ولایت ختای روان است و تدبیر و ترویج آن در این ولایت بحثی و اندیشه‌ای می‌کردند و آن قضیه را در بندگی حضرت عرضه داشتند. گیخاتو صورت آن حال از بولاد چینگسانگ استکشاف فرمود. تقریر کرد که چاو کاغذی است که تمغای پادشاه بر آنجا است و در تمامت ختای به جای درم مسکوک می‌رود؛ و نقد آنجا بالش است و به خزانه عامره می‌رسد. گیخاتو چون پادشاهی بغایت سخی بود و بخشش بافراط می‌کرد و مال عالم به جود او وافی نه، آن قضیه را مستحسن داشت؛ و صدرالدین می‌خواست که در ممالک وضعی نهد که دیگران کرده باشند، بدان واسطه در آن باب سعی تمام می‌نمود؛ و شیکتورنویان که اعقل امرا بود تقریر کرد که چاو موجب خرابی ممالک باشد و مستلزم بدنامی پادشاه و پراکندگی رعیت و لشکر. صدرالدین عرضه داشت که شیکتورنویان چون بغایت زردوست است در ابطال چاو می‌کوشد. یرلیغ شد که آن را تمام کنند؛ و آدینه بیست [و] هفتم شعبان آقبوقا و طغارچار و صدرالدین و تمه‌اچی ایناق به جهت اجرای

۱. نسب‌نامه خلفا و شهریاران و سیر تاریخی حوادث اسلامی، ۳۶۲/۱.

۲. جامع التواریخ، ۱۰۵۶/۲.

چاو به جانب تبریز روان شدند و نوزدهم رمضان آنجا رسیدند و یرلیغ رسانیدند و چاو بسیار ترتیب کردند؛ و روز شنبه نوزدهم شوال سنه ثلث و تسعین و ستمائه در شهر تبریز چاو بیرون آوردند و روان کردند؛ و فرمان چنان بود که هر آفریده که نستانند در حال او را به یاسا رسانند. یک هفته از بیم شمشیر می‌ستدند اما به عوض آن زیادت چیزی به کسی نمی‌دادند و بیشتر مردم تبریز از راه اضطرار سفر اختیار کردند و اقمشه و اغذیه از روی بازار برگرفتند چنانکه هیچ چیز یافت نبود و مردم به جهت میوه خوردن پناه با باغها دادند؛ و شهری چنان انبوه از مردم خالی شد بکلی و رنود و اوباش هرکرا در کوچه‌ها می‌یافتند برهنه می‌کردند، و کاروان از آنجا منقطع شد؛ و رنود به شب به سر کوچه‌های باغ کمین کردند و اگر مسکینی خرواری غله یا سبزی میوه به حیلست به دست آورده بودی تا به خانه برد آن را از وی می‌ستدند و اگر مانع شدی گفتندی بفروش و بهای آن چاو مبارک بستان و بنمای که از کجا خریدی. بر جمله خلق در آن بلا گرفتار شده بودند و مسکینان دست به دعا برداشته. اتفاقاً روزی گیخاتو در بازار می‌گذشت دکانها را خالی دید. موجب آن را پرسید. صدرالدین گفت: شرف‌الدین لاکوشی که مقدم اینجا است نمانده، و اهل تبریز را عادت آنست که در عزای بزرگان از بازار برخیزند؛ و جمعه‌ای در جامع بر قطب‌الدین غوغایی عظیم کردند تا رخصت یافتند و در گوشه‌ها اطعمه به زرمی فروختند؛ و باز خلقی را بدان بهانه بکشتند و معاملات و تمغاها بکلی برافتاد؛ و روزی درویشی بر سر بازار عنان صدرالدین بگرفت و گفت: [شعر] بوی جگر سوخته عالم بگرفت [اگر نشنیدی زهی دماغی که ترا است. صدرالدین به تأثیر آن سخن به اتفاق نوکران بعد خراب البصره یرلیغ حاصل کرد که معاملات اطعمه به زرمی کنند. بدان سبب مردم دلیر شدند و ظاهراً معامله به زرمی کردند و بدان واسطه غایبان روی به شهر نهادند و به اندک زمان باز معمور شد. و عاقبة الامر کار چاو به جایی نرسید و ترک آن گرفتند و خلائق از آن زحمت خلاص یافتند؛ و روز آدینه دوم ذوالقعدة سنه ثلث و تسعین و ستمائه شهزاده انبارچی در حدود نخجوان وفات یافت موافق توقسونچ آی .. ییل^۱»

تقی دانش این واقعه تاریخی و وجه تسمیه چاپ را به این شکل به نظم آورده است:

چاو گیخاتو به تبریزش اساس
ریختندی بر سرش تبریزیان
آن همین کاغذ که گویی اسکناس
چاوخانه، چاو بردند از میان

۱. جامع التواریخ (تاریخ مبارک غازانی)، ۱۰۵۸/۲-۱۰۵۶.

چاپ دان چاو به ترکی شهرت است دان که چاو انداختن زین نسبت است^۱ به نظر می‌رسد عبدالله بن فضل الله و صاف الحضرة از جمله افرادی بوده که چاو را روئیت و توصیفی دقیق از آن به خوانندگان ارائه می‌دهد:

«کاغذی مستطیل شکل که چند کلمه به خط ختایی در ابتدای آن نوشته شده، سپس بر بالای آن از دو طرف لا اله الا الله محمد رسول الله درج شده و زیر آن ایرینجین تورچی [به معانی جواهر الماس، لقب گیخاتوخان] تحریر گردیده است. در میانه کاغذ دایره‌ای هست که در آن رقم پول از نیم درهم تا ده دینار معین شده و در پایان چاو ذکر شده است: «پادشاه جهان در تاریخ سنه ثلث و تسعین و ستمائه [۶۹۳] این چاو مبارک را در ممالک روانه گردانید، تغییر و تبدیل کننده را با زن و فرزند به یاسا رسانده مال او را جهة دیوان بردارند» بر روی چاو مهر آل تمغازده می‌شد^۲».



تصویر ۴. نمونه‌ای از چاو منتشره در قرن ۱۳ و ۱۴ میلادی در چین

۱. مثنوی اکسیر اعظم، ۲۸۹.

۲. تحریر تاریخ و صاف، ۱۵۵.

این واقعه تاریخی و چاپ اسکناس در تبریز به خوبی نشان می‌دهد که آگاهی ایرانیان از تکنیک چاپ چوبی تنها به کتاب‌ها محدود نمی‌شده است و در دوره‌ای نیز ایرانیان با استفاده از این تکنیک نمونه‌های چاپی منتشر نموده و حتی مورد استفاده قرار داده‌اند. هرچند تجربه گیکخاتو خان ناموفق و کوتاه است اما انتقال عملی این تکنیک به ایران مقدمه‌ای برای بهره‌بری از این تکنیک در جغرافیای ایران می‌گردد. به نظر می‌رسد که از قرن نهم به بعد است که تکنیک چاپ چوبی البته به گونه‌ای دیگر و با کاربردی متفاوت در ایران مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. تا پیش از این آنچنان که رشیدالدین فضل‌الله همدانی عنوان می‌نمود از این صنعت و تکنیک با نام «قالب‌زدن» یاد می‌شد و البته در دوره گیکخاتو خان نیز عبارت «چاو» اصطلاحی بود که برای محصول و نتیجه استفاده از این تکنیک مورد استفاده قرار می‌گرفت. اما در متون این دوره ما با عبارتی به نام «باسمه» مواجه می‌شویم. حافظ ابرو (درگذشته ۸۳۳ ق) در ذیل وقایع سال ۸۲۵ ق این عبارت را مورد استفاده قرار داده و به ساییانی (چادر) اشاره می‌کند که چهاراژدها بر روی آن باسمه (چاپ) شده است:

«... چون پادشاه بر تخت بنشست، همه خاموش شدند و بالای سر پادشاه به ده گز بلندی کله بسته بودند که بزرگی آن به مقدار ساییانهایی چهارده گزی باشد از اطلس زرد و چهاراژدر که با هم در حمله‌اند، بر آن باسمه زده ...»^۱

همین مطلب را عبدالرزاق سمرقندی (۸۷۷-۸۱۶ ق) در کتاب مطلع سعدین و مجمع بحرین خود آورده است.^۲ هرچند اطلاع دقیقی از ورود عبارت باسمه‌زدن به ایران نداریم اما پرواضح است که این تکنیک کاملاً ریشه در همان چاپ چوبی چینی دارد که روزگاری برای انتشار چاو در تبریز مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. برخی عبارت باسمه را واژه‌ای ترکی دانسته‌اند^۳ اما این واژه در اصل کلمه‌ای ایغوری است که از دوران مغول در ایران به کار رفته است.^۴ در کتاب لغت فرنگ و پارس که در سال ۱۶۸۴ م در آمستردام چاپ و منتشر شده است، باسمه معادل لاتین استمپ^۵ و مترادف قالب و طبع ذکر شده است و باسمه‌خانه مترادف کارخانه بسمه‌چی و یا مطبع عربی قرار گرفته است.^۶

۱. زبدة التواریخ، ۸۴۵/۴.

۲. مطلع سعدین و مجمع بحرین، ۳۴۱/۲.

۳. دهخدا، ۴۱۵۱/۳.

۴. جاده ابریشم، ۱۲۷.

5. Stampa.

6. *Gazophylacium linguae persarum triplici linguarum clavi Italicae Latinae, Gallicae, nec non specialibus praeceptis ejusdem linguae resatum*, 415.

چاپ چوبی در ایران دوره صفویه

آدام اولئاریوس (۱۶۷۱-۱۵۹۹م) در سفرنامه خود ضمن توصیف کت ایرانیان بیان می‌دارد که این کت‌ها معمولاً با نقشی از گل باسمه و یا نقاشی شده است.^۱ که مشخص می‌کند در آن روزگار چاپ بر روی پارچه لباس بزرگان و سرشناسان امری متداول بوده است. قبای باسمه نیز ازجمله عباراتی بوده که در دوره صفویه متداول است و محمدطاهر نصرآبادی (زاده ۱۰۲۷ق) در تذکره خود از این اصطلاح در معرفی ملائؤمن اینچنین استفاده نموده است:

«ملائؤمن مشهور به یک‌سوار، گویا اصلش از کاشان است. غرابتی در اوضاع و اطوار داشت؛ چنانچه قبای باسمه می‌پوشیده و حاشیه به رنگ مختلف قرار می‌داد و طوماری به سر زده و به قهوه‌خانه می‌آمد و شاهنامه می‌خواند...»^۲

ملاطغرای مشهدی (د: پس از ۱۰۷۸ق) از شاعران نامور که در دوره پادشاهی جهانگیر (ح ۱۰۱۴-۱۰۳۷ق) به هند سفر کرده و بیشتر در هندوستان زیسته است، در ضمن قصاید خود که اصطلاحات مربوط به کاغذ و کتاب و نسخه و قلم و... را نقل کرده اشاره‌ای صریح به باسمه کردن و شغل باسمه چی دارد که به صراحت به چاپ نقش گل بر روی پارچه چیت نموده است:

بسمه چی رنگی ندارد از گل بستان و فقر زانکه مهر چیت او نقش هوس را مظهر است^۳

یکی از مبلغان یسوعی ساکن اصفهان در سده ۱۱ق طی تألیفی به حرفه بسمه چی پرداخته و آن را اینگونه معرفی می‌کند:

«صف بسمه چی - بدان که بسمه چی پیش تخته در پیش خود می‌گذارد و نمذ بر روی آن تخته می‌اندازد تا نرم شود. بعد از آن پارچه‌ای که می‌خواهند که باسمه کنند بر روی آن پیش تخت می‌اندازد و ظرفی بزرگ گذاشته است و آب سریش در وی است و شاگردی نشسته است و دایم آن آب سریش را می‌مالد و استاد بسمه چی قالب در دست دارد و به دوده و آب سریش می‌زند و بر روی پارچه می‌گذارد و مشتی بر قالب می‌زند تا متنقش شود و دست پیچی بر دست می‌بندند تا چون مشتی بر قالب زنند دستشان درد نیاید و اگر آن نقش می‌خواهند که طلا یا نقره باشد استاد بسمه چی اول قالب را بر آب سریش می‌زند

۱. سفرنامه آدام الئاریوس، ۲۸۵.

۲. تذکره نصرآبادی، ۱۴۵.

۳. «وزگان نسخه‌شناسی: اصطلاحات مربوط به کاغذ و خط و نسخه (در پریخانه و قصاید طغرای مشهدی)»، ۲۱۸.

و بر پارچه می‌زند، بعد از آن نقره یا طلا بر روی نقش قالب اندازد و از پنبه بر روی آن نقش که از قالب متنقش گشته بچسباند و دیگر رنگ‌ها را به این روش بسمه‌چی کار می‌کند. و چون بسمه‌چی می‌خواهد که قالبی را نقش کند، اول چوب قایم خوب بردارد و پیش نقاش برد تا هر نقش که خواهد بر آن چوب نقاش متنقش سازد. بعد از آن بردارد نقش بر را و اندرون و کنج‌های نقش آن قالب را خالی کند تا چون خواهد که چیزی باسمه کند نقش بگیرد^۱»

چاپ کتاب با استفاده از تکنیک چاپ چوبی در دوره صفویه

استفاده از تکنیک چاپ چوبی در دوره صفویه تنها به چاپ بر روی پارچه محدود نمی‌شده است. اولین کتاب چاپی منتشره در صفویه یعنی ساغموس یا مزامیر داوود که به همت خاچاطور

کیساراتسی (۱۰۵۶-۹۹۸ ق) و شاگردانش در کلیسای وانک واقع در محله جلفای اصفهان به سال ۱۶۳۸ م/۱۰۴۷ ق چاپ و انتشار یافته است یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های بهره‌بری از تکنیک چاپ چوبی برای چاپ کتاب به شمار می‌رود (تصویر شماره ۵).



تصویر ۵. ساغموس (زبور داوود)، اصفهان، چاپخانه کلیسای وانک، ۱۶۳۸ م (کتابخانه بادلیان)

خاچاطور به واسطه بازدیدش از لویو^۲ در لهستان، جایی که چندین کتاب ارمنی در ۱۶۱۸ م/۱۰۲۷ ق به چاپ رسیده بود و

۱. «دانشنامه فارسی»، ۱۰.

2. Lviv.

همچنین به دلیل تعاملات با مبلغان مذهبی اصفهان، به احتمال فراوان در معرض آشنایی هرچه بیشتر با ساختار اختراع گوتنبرگ (ماشین چاپ) و کتاب‌های چاپ شده به زبان‌های اروپایی و تا حد بسیار کمتری به زبان ارمنی قرار گرفته بود.^۱ آشنایی خاچاطور با دنیای چاپ و مزایای فراوان این فناوری جدید که سرآغاز «انقلاب ارتباطی» در دوران مدرن بود، او را ترغیب کرد تا مسئولیت مهم برپایی یک دستگاه چاپ فشاری در جلفای نو در اصفهان را عهده‌دار شود. اما او که از تلاش‌های رهبران کلیسای ارمنی برای چاپ انجیلی به زبان ارمنی و بی‌تفاوتی‌های رم در این خصوص آگاه بود، بدون چشم‌داشتی به کمک خارجی و تنها با تکیه بر آنچه از صنعت چاپ دیده و فراگرفته بود و همچنین همت و توانایی صنعتگران و هنرمندان اصفهانی، تصمیم به راه‌اندازی یک چاپخانه می‌گیرد. او در انجامهٔ اولین کتاب چاپی خود یعنی ساغموس (مزامیر داود) در مورد چگونگی برپایی دستگاه اینچنین آورده است:

«این دستگاه در زمان [کاتولیکوس تر فیلیپوس]^۲ در شهر شوش و در صومعهٔ جلفا، در ۱۰۸۷^۳ به دست بندهٔ حقیر، خاچاطور واردایت از قیصریه (کساراتسی) ساخته شد. من مدت یک سال و پنج ماه به همراه راهبان این انجمن شبانه‌روزی کار کردیم، چون این صنعت را از هیچ استادی یاد نگرفته‌ایم و هیچ معلمی نداشته‌ایم به جزء کمک روح القدس و تمایلات معنوی مان و دعاهایی که در پیشگاه پدر مقدس و پروردگار انجام داده‌ایم. فرزندان معنوی من [وارپت] هاکوب جان، دیکون تر هووانس و نیز تر میکایل و هووسپ نیز در فعالیت‌ها به ما کمک کرده‌اند. به خاطر این مسائل در دعا‌های مخلصانه خاچاطور واردایت حقیر و برادران کمک کننده‌ام را به یاد بیاورید و باشد که شما هم توسط مسیح مقدس و پروردگارمان به یاد آورده شوید. آمین»^۴

جاکوب‌ژان که توسط خاچاطور کساراتسی از او تشکر گردیده و مورد اشاره تاورنیه نیز قرار گرفته و کرده است، به احتمال فراوان صنعتگری متبحر در جلفای نو بود که در طراحی، برش قالب و ریخته‌گری حروف متحرک ارمنی برای دستگاه چاپ ساخته شده در ۱۶۳۶م/۱۰۴۵ق به خاچاطور کمک کرده است. با این حال شواهدی در دست است که به جای بهره‌گیری از سرب برای جنس حروف طراحی شده، از موادی که مطلوبیت کمتری برای چاپ داشته‌اند همچون چوب، مس و آهن استفاده شده است.^۵

۱. ظهور اولیهٔ چاپ در عصر صفوی، ۳۲.

2. Catholicos Ter Philipos.

۳. این تاریخ کوچک ارامنه است که از سال ۵۵۱ میلادی شروع می‌شود و برابر با سال ۱۶۳۸م و ۱۰۴۷ق است.

۴. اولین چاپخانهٔ ایران، ۱۰؛ ظهور اولیهٔ چاپ در عصر صفوی، ۳۴.

۵. ظهور اولیهٔ چاپ در عصر صفوی، ۳۸.

هرچند در اینکه حروف به‌کار رفته در چاپ کتاب ساغموس از جنس چوب باشد تردید بسیاری وجود دارد، اما شکی نیست که کلیشه‌های تصویری به‌کار رفته شده در این کتاب که اتفاقاً تعدادشان هم بسیار است بر روی چوب طراحی و حکاکی گردیده و چاپ شده است (تصویر شماره ۶). چنانچه اشاره گردید هنر باسمة‌کاری یا قلم‌کاری از جمله هنرهای رایج در اصفهان آن روزگار بوده است.



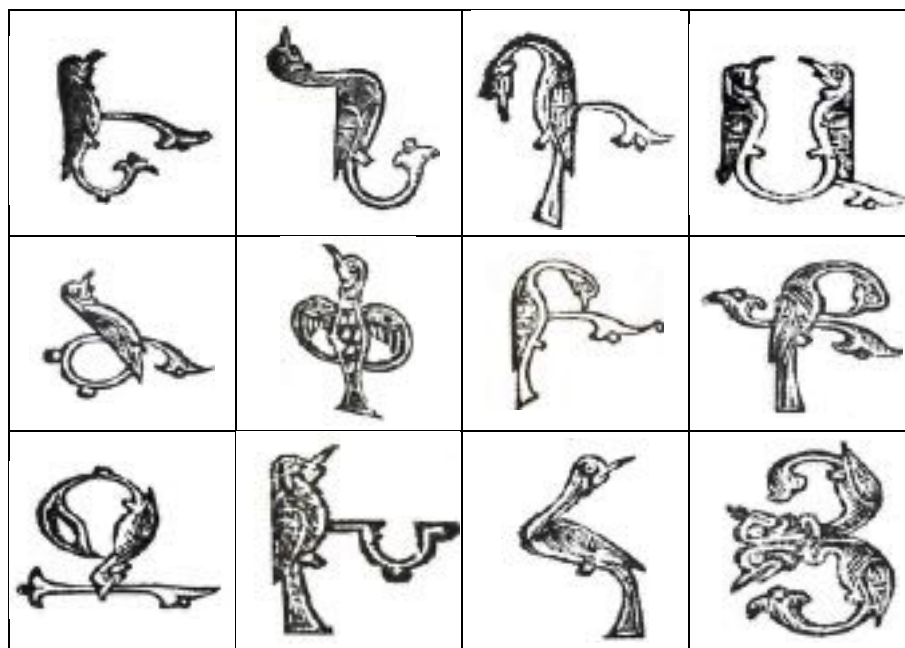
۱۰۳

آینه پژوهش | ۲۱۷

سال ۳۷ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵

تصویر ۶. صفحه‌ای از کتاب ساغموس، اصفهان، چاپخانه کلسای وانک، ۱۶۳۸م (کتابخانه بادلان) و کلیشه‌های چوبی استفاده شده در صفحات مختلف این کتاب



چاپ چوبی در ایران دوره قاجار

هرچند می‌بایست اختراع حروف متحرک چه از نوع چوبی و فلزی را به شرقیان نسبت داد، اما بعد از اختراع تکنیک چاپ با استفاده از حروف سربی متحرک توسط یوهان گوتنبرگ است که عملاً دیگر تکنیک‌های چاپ و متریال‌های مورد استفاده آهسته آهسته منسوخ گردیده و یا کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و عملاً چاپ سربی با استفاده از حروف سربی متحرک، ابتدا در اروپا و بعدتر در اقصی نقاط جهان شایع می‌گردد. طراحان حروف با تبحری خاص حروف بسیاری از زبان‌های خاص مانند لاتین، ارمنی، روسی، چینی، بنگالی، عربی، فارسی و ... را طراحی و حروف‌ریزی کرده‌اند و از نیمه قرن پانزدهم میلادی به بعد این تکنیک چاپ حروفی یا همان سربی است که یگانه تکنیک چاپ و انتشار کتاب در دنیا به شمار می‌رود.

انتقال تکنیک چاپ سربی به شبه قاره

در سال ۱۷۷۰م چارلز ویلکینز (۱۸۳۶-۱۷۴۹م) به عنوان چاپگر و نویسنده در کمپانی هند شرقی مشغول به فعالیت می‌گردد. او که به دلیل استعداد فوق‌العاده خود خیلی زود توانسته بود زبان بنگالی و فارسی را بیاموزد، با دانشی که در لندن در حوزه چاپ فراگرفته بود موفق می‌گردد که اولین حروف چاپی سربی سانسکریت را در سال ۱۷۷۸م طراحی و بسازد و در همین سال کتابی در آموزش زبان بنگالی منتشر نماید.^۱ ویلکینز چند سال بعد موفق به طراحی و ساخت حروف فارسی سربی به خط نستعلیق می‌گردد و در نهایت به سال ۱۷۸۰م موفق به انتشار کتابی با نام واژه‌نامه مختصر انگلیسی و فارسی نگاشته فرانسین گلاودین (۱۸۱۲-۱۷۴۴م)^۲ در شهر مالدا^۳ می‌گردد.^۴ ساخت این حروف سربی و چاپ این کتاب مقدمه‌ای برای انتشار کتاب با استفاده از این تکنیک در شبه قاره هند می‌گردد و بعد از آن صدها کتاب با استفاده از این تکنیک در هند چاپ و منتشر می‌شود. کتاب گزیده تعلیمات خردافروز و تلقینات دانش‌آموز که به سال ۱۸۲۷م در کلکته به چاپ رسیده است، یکی از اولین متون فارسی است که ضمن فصلی با عنوان «بیان ایجاد صنعت طبع» درباره تاریخچه صنعت چاپ مطالبی ارائه و در خصوص چگونگی تکنیک چاپ چوبی و همچنین جایگزینی چاپ سربی مطالبی بیان می‌دارد.

۱۰۴

آینه پژوهش | ۲۱۷
سال ۳۷ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵

1. *An Empire of Books*, 36.

2. Francis Gladwin.

3. Malda.

۴. تحقق رؤیای چاپ فارسی در شرق به دست چارلز ویلکینز، ۱۰۴۰.

«... اغلب است که در سنه چهارده صد و سی در هارلم نگرلارن شیش نام شخصی برای بازی بر سر درختی صور حروف نقش کرد و در آن روشنائی انداخته کاغذ بر آن چسبانید، نقوش حروف نهایت بهتر پیدا شد. مردمان آنرا دیده برچوبها صور حروف کندیده کار طبع آغاز کردند. من بعد بر چوبهای خورد صورت یکیک حروف کندیده کتابهای بسیار بقالب طبع درآوردند. همین است بیان ایجاد این صنعت باید دانست که در کندیدن صور حروف بر چوبهای خورد بسیار توقف رو می‌داد. حتی که در طبع یک کتاب شش هفت سال می‌گذشت. بعد مرور مدت دوازده سال یعنی در سنه چهارده صد و چهل و دو فشتش نام شخصی که در مطبع بود تمام حروف و سائر آلات بانداز [ه] یک کارخانه گرفته بوقت شب از آنجا گریخته در منش نگر رفته در ترویج این صنعت پرداخت و در طبع کتب اشتغال ورزید. بعد دو سه سال چون دیدند چوبهائیکه بر آن صور حروف منقوش بود بزمان قلیل فرسوده می‌شود و کار رفته می‌گردد این طرز را گذاشته صور حروف را بر سرب کندیدند...»^۱

۱۰۵

آینه پژوهش | ۲۱۷

سال ۳۷ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵

آنچنان در کتاب گزیده تعلیمات خردافروز می‌خوانیم، از جمله نقاط ضعف تکنیک چاپ چوبی زمان بر بودن حکاکی بر روی چوب است. یعنی برای آماده‌سازی یک کتاب چه به صورت قالبی و یا به صورت حرفی بر روی چوب می‌بایست زمان زیادی توسط حکاکان صرف می‌شد تا آماده گردد. این در حالی است که چوب از انعطاف لازم برای پیاده‌سازی متن حروف و کلمات برخوردار نبوده و عملاً کوچک‌ترین اشتباه در این فرایند موجب زایل شدن وقت و سرمایه و بازگشت به نقطه شروع می‌گردید. از سوی دیگر قالب‌ها و حروف چوبی به جهت خاصیت سابندگی و شکنندگی‌شان به مرور زمان بر اثر فشارهایی که بر آنها وارد می‌آمد از چرخه چاپ خارج می‌شدند. به همین دلیل بود که استفاده از ماده سرب برای ساخت حروف به جهت ارزانی، انعطاف و قابلیت بازیابی مجددشان مورد توجه طراحان و سازندگان حروف قرار می‌گیرد. با این دلایل به ظاهر ساده اما مهم، از قرن شانزدهم به بعد عملاً چاپ چوبی از دور خارج گردیده و تنها برای کاربردهای محدود، ارزان و البته تا حد بسیاری هنری و نمایشی مورد استفاده قرار می‌گیرد، آنچنان که می‌بینیم تصاویر متعددی توسط حکاکان ارامنه در دهه اول قرن هجدهم میلادی در شهر استانبول و یا حکاکان هلندی در اواخر دهه ۱۷۲۰م

۱. گزیده تعلیمات خردافروز و تلقینات دانش آموز، ۱۹۰.

چاپ و انتشار یافته است.^۱ با همه این تفصیلات استفاده از تکنیک چاپ چوبی و یا دیگر شیوه‌های چاپ همانند کالکوگرافی به عنوان ابزاری تکمیلی در صنعت چاپ کتاب استفاده می‌گردد.

سرآغاز صنعت چاپ سربی در ایران و به‌کارگیری تکنیک چاپ چوبی در آن

چاپ در ایران دوره قاجار نیز با انتشار کتاب رساله جهادیه به سال ۱۲۳۳ ق در تبریز، با استفاده از تکنیک چاپ سربی راه‌اندازی می‌گردد.^۲ چندی نمی‌گذرد که با فراخواندن میرزا زین‌العابدین تبریزی به طهران توسط فتح‌علی شاه قاجار این صنعت در دارالخلافه ایران بنیان گرفته و اولین کتاب چاپی این شهر یعنی محرق القلوب میرزا مهدی نراقی به سال ۱۲۳۹ ق با تکنیک چاپ سربی چاپ و انتشار پیدا می‌کند.^۳

کتاب‌های چاپ شده در تبریز و تهران جز یک جدول‌کشی ساده فاقد هرگونه آرایه کتاب‌آرایی و یا تصویر بودند و این شکل ساده و بی‌روح کتاب‌ها آنچنان که باید با نگاه و سلیقه هنرپسندانه ایرانیان همخوانی نداشت. نوپایی تکنیک چاپ سربی، محدودیت‌های این شیوه از چاپ و عدم آشنایی چاپچیان با شیوه‌های قدیمی تصویرسازی و کتاب‌آرایی -مانند حکاکی روی مس که در اروپا مرسوم و سابقه‌ای طولانی داشت - چاپچیان ایرانی را بر آن می‌دارد تا برای اضافه نمودن آرایه‌هایی به کتاب‌های چاپ سربی دست به خلاقیت زده و از دیگر تکنیک‌های چاپ استفاده نمایند. در اولین قدم میرزا زین‌العابدین تبریزی بعد از انتقال به دارالخلافه طهران و انتشار کتاب‌های محرق القلوب و رساله حسنیه است که دست به ابتکاری نو زده و با استفاده از تکنیک چاپ چوبی و تلفیق آن با چاپ سربی هنرنمایی نموده و آرایه سرلوح و کتیبه را به ابتدای کتاب‌های چاپ سربی خود اضافه می‌نماید.

این ابتکار عمل که البته ریشه‌ای چندصد ساله داشته و در بسیاری از کتاب‌های چاپ اروپا و بعدتر عثمانی، روسیه و شبه‌قاره نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته است، امکانی می‌شود تا کتاب‌های چاپ سربی از آن حالت خشک و بی‌روح که با هنر کتاب‌سازی ایرانی و اسلامی فاصله داشت خارج گشته و شکلی زیباتر به خود بگیرد.

۱. تکنیک‌های سنتی و معاصر چاپ دستی، ۲۱۷.

۲. در این باره رجوع کنید به: رساله جهادیه، میرزا عیسی قائم مقام فراهانی، با مقدمه، مجید جلیسه، قم، انتشارات عطف، ۱۳۹۲.

۳. در این باره رجوع کنید به: «چاپ‌نوشت (۹): اولین کتاب چاپ سربی طهران»، مجید جلیسه، آینه پژوهش، شماره ۲۰۲، مهر و آبان ۱۴۰۲، صص ۷۲-۴۹.

میرزا زین‌العابدین تبریزی و شاگردانش آقاعبدالکریم و بهرام بیک در فاصله سال‌های محرم سال ۱۲۴۰ق تا سال ۱۲۷۵ق موفق می‌شوند با استفاده از قالب‌های چوبی ۲۲ عنوان کتاب منتشره که با تکنیک چاپ سربی حروفچینی و منتشر شده است را تزئین و کتاب‌آرایی نمایند.

اولین بار در کتاب حیات القلوب علامه مجلسی که در محرم ۱۲۴۰ق به سعی و اهتمام میرزا زین‌العابدین تبریزی چاپ و انتشار می‌یابد شاهد ظهور سرلوح هستیم. این سرلوح هم در ابتدای کتاب که متنی از چاپخانه در دو صفحه چاپ گردیده مورد استفاده قرار گرفته و هم بعد از آن عیناً در ابتدای متن خود کتاب مورد استفاده قرار گرفته است (تصویر شماره ۷ و ۸). در نقطه مرکزی سرلوح اول عبارت «السلطان فتح‌علی شاه قاجار» داخل یک شکل بادامی (تصویر شماره ۹) و در نقطه مرکزی سرلوح دوم عبارت «هذا کتاب حیات القلوب» است (شکل شماره ۱۰) که اطراف آن نقش‌های گل و برگ با نقوش اسلیمی فراگرفته و در بالای آن نیز تاج کیانی دیده می‌شود در دو طرف قسمت فوقانی سرلوح تصویر شیر و خورشید نیز دیده می‌شود. سه طرف چپ، راست و پائین این سرلوح با یک جدول مثنی احاطه شده است که همچون میانه سرلوح با خطوطی هاشور خورده است.

۱۰۷

آینه پژوهش | ۲۱۷
سال ۳۷ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵

با تطبیق این دو سرلوح پرواضح است که از یک کلیشه برای چاپ این دو سرلوح در دو صفحه جدای از هم استفاده شده است. شیوه کار بدین صورت بوده است که تصویر سرلوح و کتیبه توسط یک طراح حال یا به صورت مستقیم و یا بصورت غیر مستقیم بر روی چوب منتقل و بعد از آن توسط حکاکان فضاهای خالی کنده‌کاری می‌شده است. بعد از آماده‌سازی، قالب چوبی در قاب حروفچینی جانمایی می‌گردید و پس از قرار گرفتن در صفحه پرس چاپ و جوهراندود شدن قالب چوبی و حروف کاغذ بر روی آن گذاشته و پرس می‌گردید.

در نمونه‌های بعد با وجود آنکه جایی برای کتیبه در وسط سرلوح جانمایی شده است، اما ما شاهد هیچ نوشته‌ای در وسط به صورت چاپی نیستیم، هرچند در برخی از نمونه‌های کتاب‌های شناسایی شده این دوره برخی به صورت دستنویس دارای عبارات کتیبه هستند (تصویر شماره ۱۱).

جوهری که بر روی این قالب‌های چوبی کشیده می‌شد همان جوهری است که بر روی حروف نیز استامپ می‌گردید لذا همگی سرلوحه‌ها به رنگ سیاه و تک رنگ هستند. اما وجود فضاهای سفید و خالی این امکان را برای خریداران فراهم می‌کرد که به سبک و سلیقه خود به رنگ‌آمیزی در میانه این فضاهای سفید پرداخته و کتاب‌های چاپ سربی که از نظر کتاب‌آرایی در نازل‌ترین و بی‌روح‌ترین حالت ممکن بودند را روح و جان بخشد (تصویر شماره ۱۲).



۱۰۸

تصویر ۷. حیات القلوب، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، طهران، محرم ۱۲۴۰ ق. چاپ سری (کتابخانه مسجد اعظم ش ۳۷۵۵)

آینه پژوهش | ۲۱۷

سال ۳۷ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵



تصویر ۸. حیات القلوب، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، طهران، محرم ۱۲۴۰ ق. چاپ سری (کتابخانه مسجد اعظم ش ۳۷۵۵)



تصویر ۹. سرلوحهٔ اول کتاب حیات القلوب، طهران، محرم ۱۲۴۰ ق. (کتابخانهٔ مسجد اعظم، ش ۳۷۵۵)

۱۰۹

آینه پژوهش | ۲۱۷

سال ۳۷ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵



تصویر ۱۰. سرلوحهٔ دوم کتاب حیات القلوب، طهران، محرم ۱۲۴۰ ق. (کتابخانهٔ مسجد اعظم، ش ۳۷۵۵)



تصویر ۱۱. سرلوحه دوم کتاب حیات القلوب، طهران، محرم ۱۲۴۰ ق. (کتابخانه فیضیه، ش ۳۷۵۵)



تصویر ۱۲. سرلوحه کتاب جلاء العیون، طهران، ۱۲۴۰ ق. (کتابخانه فیضیه، ش ۳۶۱۴)

در یک نگاه کلی میتوان این سرلوحه‌ها را از نظر کلیشه‌های چوبی مورد استفاده به سه گونه مختلف تقسیم‌بندی نمود.^۱ که هرچند از لحاظ تکنیک ساخت همگی با چوپ ساخته شده‌اند و از نظر شکلی بسیار به هم شباهت دارند اما در برخی از جزئیات با هم متفاوتند. مثلاً

۱. نخستینه چاپ‌های ایران، ۶۸.

در سرلوحه بسیاری از کتاب‌ها شیرها نشسته و شمشیری به‌دستشان نیست (تصویر شماره ۱۴) در حالی که در کتاب‌های طوفان البكاء منتشره به‌سال ۱۲۶۴ق (تصویر شماره ۱۳) و حیات القلوب منتشره به سال ۱۲۶۷ق شیرها ایستاده و شمشیر به‌دست هستند و یا در طوفان البكاء منتشره به سال ۱۲۷۱ق بجای درج عنوان پادشاه وقت و یا عنوان کتاب از عبارت دعایی «بسمه العزیز» در کتیبه استفاده شده است (تصویر شماره ۱۵).



تصویر ۱۴. طوفان البكاء، جوهری، طهران، ۱۲۶۷ق
(مجموعه خصوصی)

تصویر ۱۳. طوفان البكاء، جوهری، طهران، ۱۲۶۴ق
(کتابخانه ملی)

۱۱۱

آینه پژوهش | ۲۱۷
سال ۳۷ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵



تصویر ۱۵. طوفان البكاء، جوهری، طهران، ۱۲۷۱ق (کتابخانه ملی)

در فهرست زیر اسامی کتاب‌هایی که در آنها از کلیشه‌های چوبی برای متنقش کردن کتاب‌ها استفاده شده با ذکر تاریخ چاپ و نشر آنها درج شده است:

۱. حیات القلوب، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی (نویسنده)، میرزا زین‌العابدین تبریزی (به‌سعی و اهتمام)، منوچهرخان معتمدالدوله گرجی (به‌سرمایه)، طهران، بی‌چا، محرم ۱۲۴۰ق.
۲. عین الحیات، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی (نویسنده)، میرزا زین‌العابدین تبریزی، (به‌سعی و اهتمام)، منوچهرخان معتمدالدوله گرجی (به‌سرمایه)، طهران، بی‌چا، ربیع‌الأول ۱۲۴۰ق.

۳. جلاء‌العیون، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی (نویسنده)، میرزا زین‌العابدین تبریزی (به‌سعی و اهتمام)، منوچهرخان معتمدالدوله گرجی (به‌سرمایه)، طهران، بی‌چا، رجب ۱۲۴۰ق.
۴. حق‌الیقین، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی (نویسنده)، میرزا زین‌العابدین تبریزی (به‌سعی و اهتمام)، منوچهرخان معتمدالدوله گرجی (به‌سرمایه)، ربیع‌الأول ۱۲۴۱ق.
۵. حیات‌القلوب، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی (نویسنده)، میرزا زین‌العابدین تبریزی (به‌سعی و اهتمام)، منوچهرخان معتمدالدوله گرجی (به‌سرمایه)، طهران، بی‌چا، ذی‌الحجۃ‌الحرام ۱۲۴۱ق.
۶. زاد‌المعاد، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی (نویسنده)، میرزا زین‌العابدین تبریزی (به‌سعی و اهتمام)، منوچهرخان معتمدالدوله گرجی (به‌سرمایه)، طهران، بی‌چا، ربیع‌الأول ۱۲۴۴ق.
۷. إشارات‌الأصول، محمدابراهیم بن محمدحسن کرباسی (نویسنده)، میرزا زین‌العابدین تبریزی (به‌سعی و اهتمام)، اسفندیارخان (مباشر چاپ)، منوچهرخان معتمدالدوله گرجی (به‌سرمایه)، طهران، بی‌چا، غرخ ذی‌قعدة ۱۲۴۵ق.
۸. طوفان‌البكاء، محمدابراهیم بن محمدباقر جوهری (نویسنده)، زین‌العابدین تبریزی (به‌سعی و اهتمام)، بهرام‌بیک (سرکاری)، منوچهرخان معتمدالدوله گرجی (به‌سرمایه)، ۲۲ ذی‌الحجۃ ۱۲۵۹ق.
۹. طوفان‌البكاء، محمدابراهیم بن محمدباقر جوهری (نویسنده)، بهرام‌بیک (سرکاری)، منوچهرخان معتمدالدوله گرجی (به‌سرمایه)، طهران، مطبعة آقاعبد‌الکریم، ۱۸ شعبان‌الی ۵ رمضان ۱۲۶۰ق.
۱۰. روضة‌المجاهدين = مختارنامه، عطاءالله بن حسام واعظ هروی (نویسنده)، آقاعبد‌الکریم (به‌همت)، بهرام‌بیک (سرکاری)، منوچهرخان معتمدالدوله گرجی (به‌سرمایه)، ۱۴ رجب ۱۲۶۱ق.
۱۱. جلاء‌العیون، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی (نویسنده)، آقاعبد‌الکریم، بهرام‌بیک (سرکاری)، منوچهرخان معتمدالدوله گرجی (به‌سرمایه)، صفر ۱۲۶۲ق.
۱۲. طوفان‌البكاء، محمدابراهیم بن محمدباقر جوهری (نویسنده)، آقاعبد‌الکریم (رییس)، بهرام‌بیک (سرکاری)، منوچهرخان معتمدالدوله گرجی (به‌سرمایه)، ۱۲۶۲ الی ۱۹ رجب ۱۲۶۳ق.
۱۳. طوفان‌البكاء، محمدابراهیم بن محمدباقر جوهری (نویسنده)، طهران، آقاعبد‌الکریم (رییس)، بهرام‌بیک (سرکاری)، ۱۷ الی ۲۷ صفر ۱۲۶۴ق.

۱۴. قرآن، عبدالکریم (مطبعه)، بهرام بییک (سرکاری)، ۱۲۶۵ق
۱۵. طوفان البکاء، محمدابراهیم بن محمدباقر جوهری (نویسنده)، طهران، عبدالکریم (مطبعه)، ۲۲ شعبان ۱۲۶۷ق.
۱۶. حیات القلوب، محمدباقر بن محمدتقی مجلسی (نویسنده)، آقاعبدالکریم (رییس)، بهرام بییک (سرکاری)، طهران، ذی الحجه ۱۲۶۷ق.
۱۷. طوفان البکاء، محمدابراهیم بن محمدباقر جوهری، طهران، عبدالکریم (مطبع)، آقامیرباقر (تصاویر)، علی قلی خویی (تصویرگر)، ربیع‌الثانی ۱۲۶۹ق.
۱۸. مجالس المتقین، محمدتقی بن محمد برغانی، طهران، آقا عبدالکریم (مطبعه)، ۲۸ شوال ۱۲۷۰ق.
۱۹. طوفان البکاء، محمدابراهیم بن محمدباقر جوهری (نویسنده)، طهران، آقا عبدالکریم (مطبعه)، میرزا علی قلی خویی (تصویرگر)، ۱۲-۱۹ ربیع‌الثانی ۱۲۷۱ق.
۲۰. طوفان البکاء، محمدابراهیم بن محمدباقر جوهری (نویسنده)، طهران، آقاعبدالکریم (مطبعه)، میرزا علی قلی خویی (تصویرگر)، ربیع‌الثانی ۱۲۷۲ق.
۲۱. طوفان البکاء، محمدابراهیم بن محمدباقر جوهری (نویسنده)، طهران، آقا عبدالکریم (مطبعه)، حاجی میرزا بابا خوانساری (به‌اهتمام)، میرزا حسن بن آقاسیدمیرزای اصفهانی (تصویرگر)، کربلایی یوسف جدید (تصویرگر)، ۱۵ شعبان ۱۲۷۳ق.
۲۲. طوفان البکاء، محمدابراهیم بن محمدباقر جوهری (نویسنده)، طهران، آقا عبدالکریم (مطبعه)، میرزا حسن بن سیدمیرزا نقاش اصفهانی (تصویرگر)، میرزا محمدحسین ولد میرزا سیدمیرزا اصفهانی (تصویرگر)، ۱۰ رجب ۱۲۷۵ق

هرچند در دوره فتحعلی شاه و حتی بعدتر تکنیک چاپ سربی پرکاربردترین شیوه انتشار کتاب بوده است، اما چاپچیان به مرور فرا می‌گیرند که تلفیق تکنیک‌های چاپ با یکدیگر می‌تواند ضعف‌های مشهود در این نوع تکنیک را همپوشانی کند. این موضوع منحصر به تلفیق تکنیک قدیمی و کهن چاپ چوبی نبود. با انتقال تکنیک چاپ سنگی از روسیه به ایران توسط میرزا صالح شیرازی، برای اولین بار یک جلد کلام‌الله مجید به سال ۱۲۴۹ق در شهر تبریز چاپ و انتشار پیدا می‌کند. بعد از درگذشت فتحعلی شاه قاجار و برتخت نشستن محمدشاه قاجار، میرزا صالح شیرازی به دستور او به تهران فراخوانده می‌شود و عملاً بعد از این تاریخ است که پای تکنیک چاپ سنگی به دارالخلافه نیز باز می‌شود.^۱ هرچند با ورود و گسترش تکنیک چاپ سنگی به ایران

۱. برای آگاهی بیشتر در این باره رجوع کنید به، «چاپ‌نوشت (۴): مالیات گیلان پشتوانه باسمة خانه طهران، آینه پژوهش، سال سی و سوم، شماره پنج (پیاپی ۱۹۷) آذر و دی ۱۴۰۱، صص ۷۷-۳۹.

تکنیک چاپ سربی به علت محدودیت‌ها و مشکلاتی که دارد به مرور جای خود را به تکنیک چاپ سنگی می‌دهد، اما در روزگاری که چاپخانه‌های چاپ سربی با استفاده از این نوع تکنیک دست به انتشار کتاب می‌زدند شاهد این هستیم که تکنیک چاپ سنگی هم برای تصویرگری و هم برای کتاب‌آرایی در میانه کتاب‌های چاپ سربی مور استفاده قرار می‌گرفته است.

برای اولین بار شاهد تلفیق تکنیک چاپ سنگی و سربی در کتاب روضة المجاهدین (مختارنامه) در مطبعه آقا عبدالکریم از شاگردان میرزا زین العابدین تبریزی هستیم که به سال ۱۲۶۱ ق چاپ و انتشار یافته است. بعد از این شاهد تلفیق تکنیک چاپ سنگی و سربی در یکی از پرچاپ‌ترین کتاب‌های تصویری آن روزگار یعنی طوفان البكاء هستیم و این کتاب در سال‌های ۱۲۶۵ ق در مطبعه حاجی محمد اسماعیل؛ ۱۲۶۹ ق در مطبعه عبدالکریم با همکاری مطبعه آقامیرباقر طهرانی؛ ۱۲۷۱ ق در مطبعه آقا عبدالکریم با همکاری کارخانه الله‌قلی؛ ۱۲۷۲ ق در چاپخانه آقا عبدالکریم؛ ۱۲۷۳ ق در مطبعه آقا عبدالکریم و در نهایت به سال ۱۲۷۵ ق در چاپخانه آقا عبدالکریم چاپ و منتشر می‌گردد.

۱۱۴

آینه پژوهش | ۲۱۷
سال ۳۷ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۵



تصویر ۱۶. روضة المجاهدین، عطاء الله بن حسام واعظ هروی، طهران، ۱۲۶۱ ق. (کتابخانه مسجد اعظم قم - ش ۲۰۸۱۴)

تکنیک چاپ سنگی قابلیت‌های فراوانی برای ارائه متن و تصویر داشت و به جهت ارزانی، سرعت و انعطاف بالا بعد از ظهورش در ایران همواره برای چاپ متن به تنهایی و یا با آرایه‌های تذهیبی و تصویری

مورد بهره‌داری قرار می‌گرفته است. این در حالی است که در مقابل تکنیک چاپ چوبی چه از لحاظ زمانی و چه سرمایه‌ای و همچنین از همه مهمتر غیرقابل انعطاف بودن برای چاپ کتاب و متن به هیچ وجه مقرون به صرفه نبود. لذا استفاده از این تکنیک در مواردی محدود محل توجه بوده است.

آنچنان که پیش از این اشاره گردید نظر به آسانی و ارزانی تکنیک چاپ چوبی از این تکنیک چاپ برای چاپ آثاری پرمخاطب و ارزان بسیار مورد توجه بود. در دوره قاجار همانند دوره‌های اولیه اسلامی که پیش از این اشاره گردید، از این تکنیک برای چاپ برخی از تعویذات و طلسمات و یا حتی آیات و ادعیه استفاده می‌گردید. سنت چاپ این قبیل مواد چاپی را می‌توان استمرار همان سنت طرز نویسی در قرون اولیه اسلامی دانست. افرادی که با هدف سودجویی با حکاکای آیات، ادعیه و اشکالی به اسم تعویذ و طلسم مواد چاپی فراهم می‌آوردند که مشتریان بی‌سواد و یا کم‌سواد آنها صرف داشتن نوعی از تعویذ و طلسم و دعا نسبت به خریداری آنها اقدام می‌کردند. تناولی ضمن معرفی نمونه‌هایی از این نوع قالب‌های چوبی برجای مانده از آن دوران که در مجموعه شخصی خود گردآورده است به چرایی این نوع چاپ اینگونه اشاره می‌نماید:

«از آنجا که اکثریت مشتریان دعانویسان را مردم فقیر و بی‌ضاعت تشکیل می‌دادند، آثار چاپی را که برای آنها جز کاغذ و مرکب خرجی نداشته به‌رایگان یا به‌ارزانی در اختیار چنین افرادی می‌گذاشتند»^۱



۱. طلسم: گرافیک سنتی ایران، ۹۰.

هیچ‌کدام از نمونه‌هایی که تناولی در کتاب خود معرفی کرده تاریخ نداشته و تنها بر حدس و گمان تاریخ آنها را قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی ذکر نموده است.

بنابر آنچه گذشت می‌توان اینگونه بیان نمود که تکنیک چاپ چوبی به عنوان یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های چاپ مسیر طولانی را حتی تا به امروز طی نموده و طی دوره‌های مختلف تاریخی کارکردها و نتایج متفاوتی داشته است. گاهی برای چاپ تک‌برگ‌ها، طومارها و یا کتاب‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته است، اما در دوره‌های پساگوتنبرگی تکنیک چاپ به عنوان ابزاری تکمیلی در کنار دیگر تکنیک‌های چاپی امکانی برای رفع نواقص و یا افزودن آرایه‌های هنری مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته است. هرچند در همین دوران برای چاپ برخی از تصاویر و یا تک‌برگ‌ها هم به عنوان شیوه‌ای ارزان مورد توجه قرار داشته است. با همه این اوصاف در دوران معاصر از تکنیک چاپ چوبی به عنوان شیوه‌ای در ارائه آثار هنری برای چاپ و خلق آثار هنری بر روی کاغذ و پارچه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

منابع

- تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان، ناصرالدین پروین، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، جلد اول، ۱۳۷۷.
- تاریخ نشر چین، یانگ هو و شیائو یانگ، امین بذرافشان، تهران، ققنوس، ۲۲۳ ص، رقعی، ۱۴۰۱.
- تاریخ و فرهنگ، مجتبی مینوی، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۹.
- تحریر تاریخ و صاف، عبدالمحمد آیتی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.
- تذکره نصرآبادی، محمدطاهر نصرآبادی، تهران، چاپخانه ارمان، ۱۳۱۷.
- «ترجمه علوم چینی به فارسی در قرن هشتم هجری» در تاریخ و فرهنگ، مجتبی مینوی، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ سوم ۱۳۶۹.
- تنکسوق‌نامه یا طب اهل خطا به خط محمد بن احمد بن محمود معروف به قوام کرمانی و مورخ به سال ۷۱۳ق، مجتبی مینوی، تهران، دفتر امور انتشارات و مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۵۰.
- جاده ابریشم، علی مظاهری، مترجم ملکناصر نوبان، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه، جلد اول، ۱۳۷۲).
- جامع التواریخ (تاریخ اقوام پادشاهان ختای)، رشیدالدین فضل‌الله همدانی، مصحح محمد روشن، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۵ ش.
- جامع التواریخ (تاریخ مبارک غازانی)، رشیدالدین فضل‌الله همدانی، مصحح، محمد روشن، مصطفی موسوی، تهران، میراث مکتوب، جلد دوم، ۱۳۹۴.
- «خاطرات استاد مستوفی» به نقل از ارجنامه مرعشیان: گزیده مقالاتی در پاسداشت حضرت آیت‌الله العظمی علامه سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (ره) و حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود مرعشی، قم، کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی، وزیری، ۶۸۶ ص، ۱۳۸۹.
- «دانشنامه فارسی: اثر مؤلفی ناشناخته از مبلغان یسوعی ساکن اصفهان سده ۱۱ق، فریبا افکاری، نامه بهارستان، شماره ۱۱ و ۱۲، فروردین ۱۳۸۶، صص ۵-۱۲.
- زیده التواریخ، عبدالله بن لطف‌الله حافظ ابرو، مقدمه و تصحیح سیدکمال حاج سیدجوادی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰.
- «سفر به هند برای جمع‌آوری میراث مکتوب ایران و اسلام (در گفتگو با یک مقوم کهنه‌کار، خلیل مستوفی)»، علی صادق‌زاده وایقان، پیام بهارستان، دوره دوم، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۶، صص ۷۵۷-۷۶۶.
- سفرنامه آدام الثاریوس بخش ایران، آدام اولتاریوس، ترجمه احمد بهپور، تهران، سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، ۱۳۶۳.
- سی قرن طراحی گرافیک با نگاهی به تاریخ چاپ، جیمز گرایک و بروس برتون، ترجمه ملک‌محسن قادری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات؛ سازمان اوقاف و امور خیریه، ۲۴۴ ص، رحلی، ۱۳۹۲.

«فن چاپ پیش از گوتنبرگ، دانیل جی. بورستین؛ ترجمه حسین معصومی همدانی، نشر دانش، بهمن و اسفند ۱۳۶۵، شماره ۳۸، صص ۳۶-۴۳.

طلسم: گرافیک سنتی ایران، پرویز تناولی، تهران، بن‌گاه، ۱۰۸ص، خشتی، ۱۳۸۵.
 ظهور اولیه چاپ در عصر صوفیه، صبح اصلانیان، ترجمه مصطفی لعل شاطری، قم، وراقان، ۱۵۵ص، ۱۳۹۹.
 کتاب در ایران، محمود مصاحب، تهران: مجله راهنمای کتاب، ۵۵ص، وزیری، ۱۳۴۲.
 گرافیک سنتی ایران، پرویز تناولی، تهران، نشر بن‌گاه، خشتی، ۱۰۸ص، چاپ چهارم، ویراست دوم، ۱۳۹۴.
 گزیده تعلیمات خردافروز و تلقینات دانش آموز، کلکته، طبع خانه تعلیمی، ۱۸۲۹م.
 مثنوی اکسیر اعظم، تقی دانش، مقدمه میرجلال‌الدین کزازی، مصحح، محمد احمدی و سارا سعیدی ورنوسفادرانی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۸.
 مطلع سعدین و مجمع بحرین، عبدالرزاق بن إسحاق سمرقندی، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲جلد، ۱۳۷۲.

«نخستین‌های کتاب»، سید محمود مرعشی نجفی، میراث شهاب، سال هفتم شماره سوم و چهارم (پیاپی ۲۵ و ۲۶)، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، صص ۹۶-۹۸.

نخستینه چاپ‌های ایران، علی بوذری، تهران، پویانما، ۶۰۶ص، وزیری، ۱۴۰۲.
 نسب‌نامه خلفا و شهریاران و سیر تاریخی حوادث اسلام، ادوارد فون زامباور، ترجمه محمدجواد مشکور، تهران، خیام، ۱۳۵۶.

«واژگان نسخه‌شناسی: اصطلاحات مربوط به کاغذ و خط و نسخه (در پریخانه و قصاید طغرای مشهدی)، ایرج افشار، نامه بهارستان، شماره ۷ و ۸، بهار و زمستان ۱۳۸۲، صص ۲۰۵-۲۲۴.
 یتیمه الدهر فی محاسن أهل العصر، عبدالملک بن محمد ثعالبی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۴جلد، ۱۴۲۰ق/۲۰۰۰م.

An Empire of Books the Naval Kishore Press and the Diffusion of the Printed World in Colonial India,
 Ulrike Stark, Permanent Black, 2012.

Gazophylacium linguae persarum triplici linguarum clavi Italicae Latinae, Gallicae, nec non specialibus praecptis ejusdem linguae resesatum. Angelo a S. Joseph, Jansonio-Waes-bergiana, 453 F, 1684.

“The Scheide Tarsh”. Karl R. Schaefer, The Prinseton University Library Chronicle, Spring 1995, Vol. 56, No. 3, pp. 400-419.

“Medieval Arabic Tarsh: A Forgotten Chapter in the History of Printing”, Richard W. Bulliet, Journal of the American Oriental Society 107. 3 (1987), pp. 427-438.